

## دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران و جایگاه کمیته امداد امام خمینی (ره)

بهرام نوازی<sup>۱</sup>

### چکیده

دیپلماسی به معنی اداره‌ی روابط خارجی یک دولت با محیط پیرامونی خود از طریق مسالمت‌آمیز به خصوص از طریق مذاکره است و وقتی برای تبیین آن از صفت فرهنگی استفاده می‌شود منظور مقید کردن آن به نوعی از روابط خارجی است که فعالیت فرهنگی را در بر بگیرد. در این معنی منظور از دیپلماسی فرهنگی انتقال اندیشه، ارزش، سنت، نظام فکری و دیگر ابعاد فرهنگ یک دولت به محیط پیرامونی خود، از طریق مسالمت‌آمیز است و همان گونه که عنصر اصلی دیپلماسی بر بده بستان استوار است، نیت دو طرف در دیپلماسی فرهنگی بر تقویت درک متقابل و احترام به ارزش‌های حاکم بر دو

---

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

طرف و زدودن هر گونه تردید و ابهام از طرف مقابل برای افزایش همکاری و در نتیجه تأمین منافع و ارزش‌های خودی از جمله وحدت و اتحاد در درازمدت می‌باشد. انقلاب اسلامی که با اعتقاد به جهان شمول بودن دین اسلام و انگیزه‌ی حاکمیت دین اسلام در گام نخست خود در مبارزه با رژیم شاهنشاهی و حامیان سلطه‌جوی جهانی آن به پیروزی رسیده بود، در گام بعدی خود بدون احساس هر گونه قید و مرز جغرافیایی در مقابل پیام اسلام و انقلاب اسلامی در تلاش برای تداوم نهضت در سطح جهانی و فراگیر برآمده است و از همان بدو پیروزی انقلاب اسلامی با طرح صدور انقلاب، خود را برای اعتراض به وضع موجود حاکم بر جهان یا نفی و رویارویی با نظام سلطه‌ی جهانی در همه‌ی جبهه‌ها از جمله جبهه‌ی فرهنگی آماده کرده است.

کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> که با فرمان امام خمینی در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ به صورت یک مؤسسه‌ی عام‌المنفعه تشکیل شد نخستین نهاد فرهنگی انقلاب اسلامی است که با وجود توجه به توانمندسازی خانواده‌های تحت حمایت و خودکفایی آنان از طریق راهکارهای اقتصادی، هیچ‌گاه از مأموریت خطیر انقلابی «تقویت و گسترش هسته‌های مردمی در امر حمایت محرومان خارج از کشور» غفلت نکرده و در کنار حضور گسترده در تمامی شهرستان‌ها و اکثر بخش‌های کشور، با تأسیس شعبه‌هایی در کشورهای لبنان، سوریه، آذربایجان، تاجیکستان، افغانستان و عراق و از طریق معاونت هماهنگی امور بین‌الملل خود، تمامی امور مربوط به مدیریت، برنامه‌ریزی، هدایت، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های خارج از کشور را زیر نظر دارد و از همین رو از اهمیت ویژه‌ای در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برخوردار شده است. این مقاله تلاش می‌کند تا با روش اسناد کتابخانه‌ای، ظرفیت و جایگاه کمیته امداد امام خمینی را در دیپلماسی فرهنگی انقلاب اسلامی مورد بررسی و میزان موفقیت آن را تحلیل کند.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی فرهنگی، کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup>.

## مقدمه

دیپلماسی به معنی اداره‌ی روابط خارجی یک دولت با محیط پیرامونی خود از طریق مسالمت‌آمیز به خصوص از طریق مذاکره است و وقتی از صفت فرهنگی برای تبیین آن استفاده شود منظور مقید کردن آن به نوعی از روابط خارجی است که فعالیت فرهنگی را در بر گرفته یا به عبارت دیگر دیپلماسی میان فرهنگ‌ها را شامل گردد. این موضوع از سابقه‌ی کهنی برخوردار بوده و از نمونه‌های فعال در این زمینه‌ی تعامل و تبادل فرهنگی می‌توان به جهانگردان، کاشفان، مبلغان و هنرمندان که از دیرباز در پی ارتباط با ملل و فرهنگ‌های مختلف بوده‌اند، اشاره کرد. این ارتباطات اولیه‌ی مردمی که همواره هم از روی میل و طیب خاطر نبود بلکه گاهی اوقات در نتیجه‌ی کوچ، بردگی، مهاجرت اجباری، صورت گرفته بود، موجب تبادل زبان، مذهب، عقاید، هنر و آشنایی با ساختارهای اجتماعی می‌گردید و برقراری راه‌های تجاری باستانی از قبیل راه ابریشم، دولت‌های بزرگ و کوچک را به تبادل اطلاعات و هدایای فرهنگی از طریق بازرگانان و نمایندگان رسمی خود علاقمند می‌کرد. نقطه‌ی مقابل دیپلماسی فرهنگی را همگون‌سازی، جذب یا ذوب اجباری فرهنگی می‌توان نامید که از سوی دولت‌های قوی‌تر و با انگیزه‌های توسعه طلبی و استعمار دولت‌های کوچک‌تر پیگیری می‌شد. در این وضعیت عنصر اصلی دیپلماسی گرچه به کارگیری ابزار فرهنگی است اما از آن جا که یک سویه عمل می‌کند و اعتنایی به تبادل فرهنگ‌ها ندارد، از اجبار برای جذب مخاطبان خود بهره مند می‌شود.

با وجود این قدمت تاریخی، اصطلاح دیپلماسی فرهنگی به تازگی مورد استفاده‌ی دستگاه سیاست خارجی کشورهای مختلف قرار گرفته است و منظور از دیپلماسی فرهنگی همان طور که میلتون کامینگز برای اولین بار در این باره نوشته، به معنی انتقال اندیشه، ارزش، سنت، نظام فکری و دیگر ابعاد فرهنگ یک دولت به محیط پیرامونی خود از طریق مسالمت‌آمیز است. ([www.culturaldiplomacy.org](http://www.culturaldiplomacy.org)) بنابراین همان گونه که عنصر اصلی دیپلماسی بر بده بستان استوار است، چنانچه نیت دو طرف در دیپلماسی فرهنگی بر تقویت درک متقابل و احترام به ارزش‌های حاکم بر دو طرف و

زدودن هر گونه تردید و ابهام از طرف مقابل استوار باشد این تبادل و تعامل فرهنگی می‌تواند موجب افزایش همکاری در موضوعات مختلف هنری، ورزشی، ادبی، موسیقی، علوم و اقتصادی و در نتیجه تأمین ارزش‌های خودی و گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری گردد و در بالاترین درجه‌ی همگرایی، به وحدت و اتحاد در درازمدت بینجامد.

در جمهوری اسلامی ایران نیز دیپلماسی فرهنگی به عنوان يك ابزار مهم سیاست خارجی از جایگاه شایسته‌ای برخوردار است و همسو با دیگر ابزار در جهت تأمین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و اشاعه‌ی فرهنگ ایران اسلامی گام بر می‌دارد. دقت و تأمل در گفتمان امام خمینی<sup>(ع)</sup> و مقام رهبری، توجه آن‌ها به دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را آشکار می‌کند. این مقاله تلاش می‌کند تا نقش کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(ع)</sup> را در این زمینه مورد بررسی و پیشرفت‌های آن را در مدت بیش از ۳۰ سال از فعالیت خود مورد تحلیل قرار دهد.

### پیشینه‌ی دیپلماسی فرهنگی در جهان

دیپلماسی فرهنگی در دوره‌ی معاصر جایگاه درخور توجهی را هم در میان کشورها و هم سازمان‌های بین‌المللی پیدا کرده است. دولت‌های بزرگ و کوچک برنامه‌های فرهنگی خاص خود را دنبال می‌کنند و فرانسه در این میان، به عنوان مبتکر و پیشتاز سبک فرانسوی مطرح بوده و این فعالیت را از طریق وزارت فرهنگ خود پیگیری می‌کند. دیپلماسی فرهنگی فرانسه در قرن نوزدهم به صورت سرمایه‌گذاری برای تأسیس مدارس و مؤسسات فرهنگی در کشورهای مورد نظر و آموزش زبان، تعلیم و تربیت، تبادلات علمی و حتی مذهبی بود. مؤسسه‌ی آلیانس فرانسه زیر نفوذ یهودیان، از سال ۱۸۸۳م و پس از شکست از پروس کار خود را آغاز کرد. این مؤسسه برای تدریس زبان فرانسه در مستعمرات، بقیه کشورها ایجاد شد. در ۱۹۰۲م مؤسسه‌ی لای میسیون برای آموزش غیر مذهبی در ماوراء بحار و در سال ۱۹۱۰م دفتر ملی برای تبادل مدرسه‌ای و دانشگاهی و اداره‌ی مدارس و مؤسسات فرانسوی خارج از کشور تأسیس شد. (Cavaliero, ۱۳۹: ۱۹۸۶-۱۴۰) تأسیس آژانس دانشگاهی در راستای تحقیق تصمیم مشترک وزارت امور خارجه، وزارت آموزش ملی و وزارت تحقیقات

و آموزش عالی به منظور تقویت جاذبه فرانسه در حوزه‌ی آموزش عالی صورت گرفته است. (www.campusfrance.org)

انگلستان نیز که از برنامه‌های آموزش زبان فرانسه تا هیئت‌های باستان‌شناسی در مناطق حساس جهان برای تأمین منافع سیاسی این کشور آگاه بود، از سال ۱۹۱۷ از طریق بخش خصوصی و با کمک اندک دولتی فعالیت خود را در این زمینه آغاز کرد. ابتدا مؤسسه‌ی بریتانیایی فلورانس تشکیل شد و بعدها انجمن‌های آنگلو فیل در شهرهای اصلی آمریکا لاتین به وسیله‌ی تجار انگلیسی و محلی با تأکید بر آموزش زبان انگلیسی تأسیس گردید. رویکرد انگلستان به روابط فرهنگی نیز هم چون فرانسه شامل آموزش زبان، علم، تکنولوژی، هنر، علوم اجتماعی و تلاش برای جذب و پذیرش هر چه بیشتر دانشجویان خارجی به انگلستان بود و مسئولیت آن بعدها در سال ۱۹۳۴ بر عهده‌ی مؤسسه نیمه مستقل شورای بریتانیا گذارده شد. (Donaldson, ۱۹۸۴; www.education.vsnl.com)

حوزه‌ی دیپلماسی فرهنگی برای ایالات متحده نیز جذاب بوده است. قدیمی‌ترین روابط ایالات متحده با کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین در حوزه‌ی فرهنگی بوده است. از اواسط سده‌ی ۱۸۰۰م، اعزام هیأت‌هایی به آسیا و خاورمیانه آغاز شد. بعد از جنگ اول جهانی برنامه‌های همکاری دوجانبه و چندجانبه، منابع را به سمت نهادسازی در حوزه‌ی آموزش و پرورش روانه کرد و موجب ایجاد فرصت‌های زیادی برای دانشجویان و افزایش محققان برای سفر به بیرون مرزها گردید. هم زمان که جنگ جهانی دوم کشورهای بیشتری را در خود فرو می‌برد، منافع امنیت ملی ایالات متحده نیازمند توجه بیشتری به دیپلماسی فرهنگی برای مقابله با نفوذ فاشیسم در منطقه‌ی آمریکای لاتین و اروپا بود. از این پس و با تبدیل ایالات متحده به يك قدرت جهانی، دیپلماسی فرهنگی به بخش بزرگی از سیاست خارجی این کشور تبدیل شد. در سال ۱۹۴۸م الکساندر اچ. اسمیت و کارل ای. ماندت طرحی را در کنگره‌ی ایالات متحده به تصویب رساندند که بر اساس این قانون اسمیت ماندت، برای اولین بار در زمان صلح، یک مؤسسه‌ی اطلاعاتی قانونی به وجود می‌آمد که رسالت آن تقویت درک بهتر ایالات متحده در دیگر کشورها و افزایش شناخت متقابل میان

آمریکاییها و خارجی‌ها بود. تا پیش از این، مبادله‌ی فرهنگی بیشتر در حوزه‌ی فعالیت سازمانهای خصوصی مانند بنیاد کارنگی، سازمان صلح بین‌المللی و بنیاد راکفلر بود. سرانجام این برنامه‌های مبادله، تحت کنترل دفتر امور فرهنگی و آموزشی که در سال ۱۹۶۱م با قانون فولبرایت هیس (قانون مبادله‌ی متقابل فرهنگی و آموزشی) تأسیس شده بود، قرار گرفت. ([www.exchanges.state.gov](http://www.exchanges.state.gov)) طرح سناتور جی. ویلیام فولبرایت را می‌توان مهمترین طرح در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی و با برنامه‌ی دولتی مطالعات امریکایی برشمرد. (Cavaliero, Op. Cit: ۱۴۲-۱۴۳)

انستیتو گوته و مؤسسه‌ی خدمات تبادل علمی آلمان که به اختصار DAAD نامیده می‌شود با ۱۸ دفتر نمایندگی فعال در نقاط مختلف جهان، و بنیاد الکساندر فن هومبلدت، انجمن ماکس پلانک و انجمن تحقیقات آلمان نیز از توجه دولت آلمان به دیپلماسی فرهنگی حکایت می‌کنند. شورای هندی روابط فرهنگی از سال ۱۹۵۰م، بنیاد ژاپنی کوکوسی کوریو کیکین از سال ۱۹۷۲م (ریوز، ۱۳۸۷: ۷۴) و بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی کشورهای اسلامی مالزی، پاکستان، آذربایجان را نیز می‌توان در حوزه‌ی دیپلماسی فرهنگی این دولت‌ها جستجو کرد. به این ترتیب همان طور که راست و استار (۲۰۹: ۱۳۸۱) نوشته اند امروزه دیپلماسی فرهنگی از چنان جایگاهی در مناسبات بین‌المللی و سیاست خارجی کشورها برخوردار است که افزایش و تسهیل ارتباطات بین فرهنگی، مهم‌ترین وظیفه دیپلماسی شده است.

علاوه بر کشورهای بزرگ و کوچک، سازمان‌های بین‌المللی هم به این گونه فعالیت ابراز علاقه کرده و حتی آن را جزء گسست‌ناپذیر صلح و امنیت پایدار بشر در سراسر جهان برشمرده‌اند. نمونه‌ی اولیه و فعال از اتخاذ این دیپلماسی در دوره‌ی معاصر را در سال ۱۹۲۲م و در جامعه‌ی بین‌الملل می‌توان جستجو کرد که در آن از گروهی از متفکران به منظور بررسی تأسیس کمیته‌ای برای همکاری فکری دعوت به عمل آمد. نتیجه‌ی این اقدام، تأسیس کمیته‌ی بین‌المللی همکاری فکری بود که اولین نهاد بین‌المللی برای تقویت انترناسیونالیسم فرهنگی و یک نهاد مهم در زمینه‌ی تبادل فرهنگی به شمار می‌آید. هدف این کمیته مبادله‌ی استاد، دانشجو، کتاب و اندیشه به منظور ایجاد شناخت بیشتر میان مردم

بود. (ریوز، ۱۳۸۷: ۶۶) گرچه این کمیته‌ی بین‌المللی دستخوش محدودیت‌ها و مشکلاتی گردید اما با اتکای به این عقیده که رویکرد فرهنگی می‌تواند مزیت‌های زیادی برای سیاست بین‌الملل به بار آورد، پس از جنگ دوم جهانی زمینه‌ی مناسبی را برای تشکیل سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) فراهم کرد. یونسکو «مشارکت در صلح و امنیت بین‌المللی از طریق تقویت همکاری میان ملت‌ها در آموزش، علم و فرهنگ» را هدف خود قرار داد و در مقدمه‌ی اساسنامه خود دولت‌های طرف اساسنامه را متعهد کرد تا به نمایندگی از مردم خود اعلام کنند:

جنگ‌ها اول بار در اذهان افراد نشأت گرفته و در همین اذهان افراد است که دفاع از صلح هم باید شکل بگیرد. بی توجهی به شیوه‌ی زندگی دیگران در طول تاریخ علت مشترک بروز سوءظن و بی اعتمادی میان مردمان جهان بوده و در نتیجه‌ی بالا گرفتن این اختلافات، جنگ شعله ور گردیده است؛ این جنگ بزرگ و دهشتناکی که اکنون پایان یافته بر اثر انکار اصول دموکراتیکی هم چون شأن، برابری و احترام متقابل بشر و به جای آن، ترویج جهالت بار و تعصب آمیز اندیشه‌ی نابرابری بشر و نزاع‌ها صورت گرفته است؛ گسترش فراوان فرهنگ و آموزش بشریت برای عدالت و آزادی و صلح گریزناپذیر از شأن بشری بوده است و يك وظیفه‌ی مقدسی را ایجاد می‌کند که همه‌ی ملت‌ها باید با روحیه‌ی مساعدت و علاقه متقابل برای اجرای آن تلاش کنند؛ صلح تنها بر پایه ترتیبات سیاسی و اقتصادی حکومت‌ها نمی‌تواند يك صلح همگانی، بادوام و مورد حمایت صمیمی مردمان جهان را فراهم کند و چنین صلحی حتماً باید بر اساس همبستگی فکری و اخلاقی بشریت استوار گردد. ([www.unesco.org](http://www.unesco.org))

اتحادیه‌ی اروپا نیز به عنوان يك تشکیلات سازمان یافته از دولت‌های اروپایی و علاوه بر فعالیت فرهنگی دولت‌های بزرگ عضو خود در سال ۱۹۸۷م برای اولین بار یک برنامه‌ی تبادل آموزشی با عنوان اراسموس را به اجرا درآورد و در سال ۱۹۹۳ میلادی، بر اساس ماده‌ی ۱۵ معاهده‌ی ماستریخت نقش فعال‌تری را در زمینه‌ی فرهنگی برعهده گرفت که از جمله‌ی این‌ها برنامه‌ی سقراط در سال ۱۹۹۵م بود. در حالی که برنامه‌ی اراسموس درصدد گسترش تحرک دانشجویی در سراسر اروپا و

ارتقای افق‌های آموزشی جوانان اروپایی بود، برنامه‌ی سقراط این اهداف را به سطح آموزش دائمی ارتقا داده است. (ریون، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۲)

### دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث تحول بنیادینی نه تنها در سیاست خارجی ایران بلکه در عرصه‌ی روابط بین‌الملل شد و با محوریت قرار گرفتن دین (اسلام) و فرهنگ در سیاست، منشأ رویدادهای جدیدی گردید. به نوشته محمدی (۱۳۷۷: ۱۹۳) انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک و با جهان‌بینی خاص خود که از مکتب اسلام سرچشمه گرفته، نه تنها در بعد ملی احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و نظرات خاص خود برای حکومت و دولت مداری بوده است بلکه، در بعد جهانی نیز با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلام دارای افکار و نظریات خاص خود بوده و ارائه دهنده نظام جهانی ویژه‌ی خود گردید. به طوری که بیورلی میلنون ادواردز (۱۳۸۲: ۱۵۹) بیان کرده است: «انقلاب اسلامی طلایه دار عصر جدید سیاست اسلامی در جهان اسلام بوده و عواملی هم چون انقلاب، حکومت دینی و الگوی ایرانی در فهم اسلام سیاسی، سیاست خاورمیانه و هویت سیاسی منطقه در قرن بیست و یکم بسیار مهم تلقی شده‌اند.» به نظر نقیب زاده (۱۳۸۱: ۲۴۶) نیز وقتی اسلام شیعه به صورت رسمی به ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده باشد، طبیعی است که الگوی سیاست خارجی آن نیز تابعی از فقه سیاسی و سنت‌های برخاسته از عبارت شناسی (ترمینولوژی) تاریخ اسلام باشد و به این ترتیب رمزگان فرهنگی به صورت جدی حضور یافته و بر جهت سیاست‌گذاری و سازماندهی کنش سیاسی آن در عرصه‌ی بین‌المللی اثرگذار گردد.

این مهم را می‌توان در منابع و مراجع سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران به خوبی مشاهده کرد. مهم‌ترین منبع و مأخذ برای شناخت اهداف و الگوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی کشور می‌باشد که با توجه به مقدمه و اصول آن، می‌توان اهداف نظام و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را که بر اساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین شده را بشناسیم. قانون اساسی جمهوری اسلامی با وسواس بسیاری اهداف نظام از جمله اهداف سیاست خارجی کشور را به صراحت بیان داشته که از

جمله‌ی آن‌ها عبارتند از: تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی، حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران، حفاظت از استقلال و حاکمیت ملی در عرصه‌ی بین‌المللی، دفاع از حقوق مسلمانان. به این ترتیب و با توجه به اسلامی بودن انقلاب و جهان‌شمولی این مکتب، سیاست خارجی جمهوری اسلامی هیچ‌گاه خود را در محدوده‌ی اهداف ملی و یا حتی منطقه‌ای محبوس نکرده و با توجه به این رسالت مهم و غیرقابل‌تغییر، یک سیاست خارجی پیشرو، فعال و پویا را اتخاذ کرده است تا به کمک آن بتواند نوعی وحدت فکری و روحیه‌ی اخوت و برادری میان همه‌ی مسلمانان ایجاد نماید تا آنان به خواست خود زمینه‌ی تشکیل حکومت اسلامی را فراهم کنند.

جمهوری اسلامی ایران که خود را مصداق یک حکومت اسلامی تلقی می‌کند که در قلمرو سرزمین ایران تعیین و استقرار یافته است، مسئولیت و رسالت خود را در این دیده است که به نوشته‌ی دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۷: ۲۰۳)، پیام انقلاب اسلامی را از طریق یک سیاست خارجی رسالت‌مدار به مسلمانان و جهانیان ابلاغ کند. بر این اساس، همان‌طور که محمدی (۱۳۸۷: ۱۸) می‌نویسد دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی، در چهارچوب اصل «دعوت»، «صدور انقلاب» را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است. صدور انقلاب در واقع تلاشی است که یک نظام انقلابی برای گسترش ایده و آرمان انقلابی خود به دیگر کشورها صورت می‌دهد و این موضوع زمانی مطرح می‌شود که آرمان انقلابی تازه گی داشته باشد. تلاش فرانسه انقلابی برای گسترش ایده‌ی آزادی و ملی‌گرایی به سراسر اروپا و تلاش اتحاد شوروی برای گسترش دیکتاتوری طبقه کارگر به سراسر جهان و تلاش ایالات متحده برای گسترش آزادی و دموکراسی در جهان، نمونه‌هایی از این دست هستند. (نوازنی، ۱۳۸۸: ۵) این موضوع در مورد انقلاب اسلامی ایران نیز مصداق داشت و با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دولت، بحث صدور انقلاب به یکی از «اصلی‌ترین و جذاب‌ترین» موضوعات جامعه‌ی انقلابی ایران تبدیل گردید. (دولت‌آبادی، ۱۳۷۷: ۸۷) صدور و گسترش انقلاب اسلامی از نکاتی است که در موارد متعدد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انعکاس یافته است. در مقدمه‌ی قانون اساسی آمده است:

قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی مستضعفان بر مستکبران بود، زمینه‌ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند. به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (ان هذمه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

هم چنین اصل ۳ بند ۱۶ دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف به «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان» کرده است. تاجیک و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۲: ۷۷) نیز معتقدند که «پارادایم صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی حتی در اوج آرمان‌گرایی آن، همواره در چهارچوب مقررات، هنجارها، قواعد و سازمان‌های بین‌المللی و با ابزارهای مسالمت‌آمیز صورت گرفته است.» به این ترتیب گسترش انقلاب به خارج از مرزهای شناخته شده ایران از بدو پیروزی انقلاب به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی تبدیل شد که خود از دو انگیزه‌ی متفاوت ناشی می‌شد که یکی از حقارت‌ها و سرکوب‌هایی نشأت می‌گرفت که از گذشته گریبان‌گیر ملت مسلمان ایران شده بود و حال که ملت انقلابی و مسلمان ایران به پیروزی و آزادی رسیده، خود را در انواع و اقسام توطئه‌های خارجی گرفتار می‌دید که در پی بازگرداندن وضع گذشته استبدادی بر کشور بودند. اما انگیزه‌ی دوم از یک وظیفه دینی و از اعتقاد به جهان شمول بودن دین اسلام و احساس وظیفه برای ترویج آن به اقصی نقاط جهان ناشی می‌شد. (نوازی، ۱۳۸۸) البته صدور انقلاب اسلامی متضمن ایجاد انقلاب فیزیکی در سایر کشورها و جوامع نبوده بلکه استعاره‌ای برای اشاعه‌ی ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام‌های بخش و آزادی‌بخش آن به انسان‌های علاقه‌مند می‌باشد. فرایندی که الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف خواهد بود تا به همان غایتی رهنمون شوند که ملت ایران آن را تجربه کرده است. (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۵۹) در واقع این صدور فرهنگی انقلاب اسلامی از طریق به‌کارگیری ابزارها و ساز و کارهایی هم چون تبلیغات، آموزش و دیپلماسی فرهنگی صورت

می‌گرفت و جمهوری اسلامی تلاش می‌کند با استفاده‌ی هم‌زمان از این‌ها، آرمان‌ها، ارزش‌ها، مبانی و گفتمان انقلاب اسلامی را برای ملت‌های مشتاق تبیین و ترویج نماید. برای نمونه این بیان امام خمینی<sup>(ع)</sup> به خوبی این معنا و مفهوم از دیپلماسی فرهنگی را توضیح می‌دهد:

ما می‌خواهیم معنویت انقلاب اسلامی‌مان را به جهان صادر کنیم. ما که می‌گوییم «انقلاب می‌خواهیم صادر کنیم» می‌خواهیم این را صادر کنیم. می‌خواهیم این مطلب را به همین مبنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما می‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم... ما می‌خواهیم که انقلاب‌مان را، انقلاب فرهنگی‌مان را به همه‌ی ممالک اسلامی صادر کنیم». (امام خمینی، ج ۱۳: ۹۰)

ایشان در جای دیگر در ۹ اسفند ۱۳۶۲ هر گونه ادعای صدور انقلاب به شیوه‌ی نظامی را رد کرد و چنین اظهار داشت:

ما که می‌گوییم اسلام را ما می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آن که ما می‌توانیم این است که به وسیله‌ی دستگاه‌هایی که داریم، به وسیله‌ی همین صدا و سیما، به وسیله‌ی مطبوعات، به وسیله‌ی گروه‌هایی که در خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم... آن چیزی که با ارشاد حاصل بشود، قلب مردم را برمی‌گرداند. و این کار، این هنر، از اسلام می‌آید و این هنر از احکام اسلام می‌آید، نه با یک توپ و تانک بخواهد کار بکند. (همان، ج ۱۸: ۳۶۴)

این موضوع بارها تکرار شد و در جای دیگری فرمود که «صدور انقلاب لشکر کشی نیست. بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم که یکی از آن مراکز وزارت امور خارجه است.» (امام خمینی، ج ۱۹: ۴۱۴) به این ترتیب در اندیشه‌ی امام خمینی<sup>(ع)</sup>، ماهیت فرهنگی دیپلماسی انقلاب، یک راهبرد فرهنگی برای فراگیر ساختن و گسترش آرمان‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی است که از طریق وزارت امور خارجه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید صورت پذیرد. در نزد آیت الله خامنه‌ای، مقام رهبری، نیز استفاده از دیپلماسی فرهنگی برای

انتقال ارزش‌های معنوی و فرهنگی انقلاب اسلامی به سایر ملت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. از نظر ایشان «تبادل فرهنگی لازم است» چرا که به نظر ایشان: هیچ ملتی بی نیاز نیست از این که در هم‌هی زمینه‌ها، از جمله در زمینه مسائل فرهنگی آن مجموعه مسائلی که به آن‌ها نام فرهنگ داده می‌شد از ملت‌های دیگر بیاموزد... ملت‌ها در رفت و آمدهایشان، آداب زندگی را، خلقیات را، علم را، لباس پوشیدن را، آداب معاشرت را، زبان را، معارف را و دین را از یکدیگر فرا گرفته‌اند. این مهم‌ترین تبادل‌های ملت‌ها با هم بوده است؛ حتی مهم‌تر از تبادل اقتصادی و کالا، بسیار اتفاق افتاده است که این تبادل فرهنگی، به تغییر مذهب یک کشور انجامیده است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: ۷۸)

البته یکی از ویژگی‌های هر انقلاب و جنبش انقلابی، نوع ابزاری است که رهبران آن برای اقدام انقلابی می‌گزینند. اهمیت ابزار و شیوه‌های انقلاب و گسترش آن، چه پیش از پیروزی و چه پس از آن از چنان درجه‌ای برخوردار است که برخی پژوهشگران جنبش‌های انقلابی را بر آن داشته تا ادعا کنند «رهبران انقلابی نمی‌کنند بلکه در بهترین شرایط تنها ابزار اقدام انقلابی را گزینش می‌کنند.» از نظر اینان بیشترین نقشی که رهبران انقلابی ایفا می‌کنند در تعیین راهکارهای جنبش و زمان‌بندی به کارگیری آن هاست نه اهداف، راهبردها و مسیر کلی جنبش چرا که این تا حد زیادی خارج از قدرت مهار آنان است. (Greene, 1990: 51-52) از همین رو است که برخی پژوهشگران در مطالعه‌ی ویژگی‌ها و تیپ‌های شخصیتی رهبران انقلابی به انواع گوناگونی دست یافته‌اند و برای نمونه کیرین بریتون معتقد بود نقش‌های رهبران انقلابی به خاطر مهارت‌های مختلفی که دارند تغییر می‌کند از جمله این‌ها آرمان‌گرا بودن، هماهنگ کننده بودن، تبلیغاتچی بودن، شورشی یا سازمان دهنده بودن آن هاست. هاری اِکِستین تیپ‌شناسی هارولد لاسول و آبراهام کاپلان را به طوری خلاصه کرده که شامل ایدئولوگ، سازمان دهنده، خوشونت‌گرا، هوچی‌گر و مدیر گردد. (Quoted in Green, 1990: 53-54) به نظر گور هم ابزار انقلابی مورد استفاده‌ی رهبران انقلابی به «مهارت‌های مختلف رهبران» بستگی دارد. (Gurr, 1970: 291)

این‌ها تا حدودی با واقعیت انقلاب اسلامی ایران و ابزار صدور انقلاب سازگار است اما تمام واقعیت را نشان نمی‌دهد. امام خمینی به عنوان یک

ایدئولوگ و مرجع مذهبی در جریان انقلاب اسلامی تلاش بسیاری کرد تا با نصیحت و ارشاد، شاه و درباریانش و ارتش ایران را به مسیر هدایت و صلاح دعوت کند و در مقابل گُشت و کشتار آنان، دایره‌ی اقدامات انقلابی را از هشدار و تهدید فراتر نبرد. در این میان، رهبران دیگری هم بودند که با اتخاذ عناوینی چون «مبارز» و «مجاهد» در طراحی عملیات مخفی، جنگ چریکی و حتی ترور شاه و سرکردگان نظامی و انتظامی وی تلاش و فعالیت می‌کردند که با توجه به خطراتی که برخی تاکنون منتشر کرده‌اند از وجود مهارت فوق‌العاده آن‌ها در ایجاد ائتلاف و سازماندهی نیروها حکایت دارد. (رفیق‌دوست، ۱۳۸۳: ۱۳۸۳)

عمیدزنجانی، (۱۳۷۹) با این حال، این رهبران انقلابی هیچ‌گاه، به صرف مهارت و تمایل خود، نه به هر ابزاری دستاویز می‌شدند و نه در صورت انتخاب می‌توانستند آن را به کار بندند.

نزدیک به دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ شکل حکومت جمهوری اسلامی در یک همه‌پرسی مورد پذیرش عموم ۹۸/۲٪ مردم ایران قرار گرفت. بر همین مبنا نمایندگان مردم برای بررسی و تهیه قانون اساسی انتخاب و متن قانون اساسی پیشنهادی را در آذر ۱۳۵۸ برای تصویب به همه‌پرسی گذاردند و در این قانون، ساختار و ارکان نظام و وظایف و مسئولیت‌های هر یک از آن‌ها را به صراحت تعیین کردند. به این ترتیب رهبر انقلاب اسلامی و هر یک از رهبران انقلاب با هر ویژگی یا تیپ شخصیتی که پیش از انقلاب و در جریان پیروزی آن داشتند مجبور بودند تا یک نقش سازمانی و تشکیلاتی منطبق با قانون اساسی را پذیرا گشته و در درون این چهارچوب حرکت کنند و آنانی که حاضر نشدند در این چهارچوب قانونی و نقش سازمانی فعالیت کنند از صحنه‌ی انقلاب حذف و کنار رفتند. (رفیق‌دوست، ۱۳۸۳: ۱۸۵-۱۷۳)

به این ترتیب در واقعی‌ترین شکل ممکن می‌توان گفت که در جریان انقلاب اسلامی و پیروزی آن، تلفیقی از مهارت فردی رهبران انقلاب اسلامی و ساختار و تشکیلات قانونی پس از انقلاب اسلامی (ترکیب کارگزار و ساختار) رخ داد و بر این اساس افراد با مهارت و سلیقه گوناگون در درون ساختار نظام جاگیری و سازماندهی شدند و هر سازمانی بر حسب مأموریت، وظایف و اختیارات قانونی خود با تشکیل جبهه‌ی ویژه خود، به امر دفاع و هم‌چنین

صدور انقلاب اقدام کرده است. بی‌تردید افرادی که انگیزه، روحیه و مهارت متناسب به هر سازمان و جبهه داشته است به انتخاب خود وارد آن سازمان شده و طبق مأموریت آن سازمان، از ابزار ویژه و متناسب با آن سازمان نیز بهره گرفته است. در همین زمینه افراد و مؤسسه‌های دینی بسیاری از دیرباز خود را وقف تبلیغ و ترویج دین و آموزش تعالیم اسلامی کرده و برای این کار تفاوتی میان مردم شهر و روستا یا داخل و خارج کشور قائل نبودند.

#### جایگاه کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup>

از جمله مهم‌ترین سازمان‌های انقلابی که در زمینه‌ی دیپلماسی فرهنگی مأموریت‌های تشکیل و فعالیت گردید کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۶)</sup> است که به هدف صدور افکار و آموزه‌های انقلاب اسلامی و معرفی الگوی نمونه‌ی آن به جهانیان تشکیل شده است و از ابزار و شیوه‌ی متناسب با خود استفاده می‌کند. این نهاد انقلابی که خارج از قوه‌ی مجریه اما زیر نظر مقام رهبری به فعالیت می‌پردازد علاوه بر تحکیم و توسعه‌ی انقلاب اسلامی و ایجاد یک الگوی تمام عیار خودکفایی و خوداتکایی در زمینه‌ی اقتصادی و برخورداری از رفاه کامل، در تلاش برای کمک به کشورهای محروم و ملت‌های مستضعفی است که سال‌ها و بلکه قرن‌ها در زیر سلطه‌ی استعمار و استعمار، اسیر و عقب‌مانده نگاه داشته شده‌اند و دقیقاً همین هدف دوم است که آن را به ابزار مهمی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی تبدیل کرده است.

کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۷)</sup> به عنوان دومین نهاد انقلابی در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ با فرمان امام خمینی<sup>(۸)</sup> تشکیل شد. ماده ۳ اساسنامه، امداد امام را «نهادی انقلابی و مردمی، غیر انتفاعی و عام‌المنفعه، دارای شخصیت حقوقی مستقل و استقلال مالی، اداری و استخدامی» نامیده است که تحت نظارت عالی‌ی مقام معظم ولایت مطلقه فقیه و طبق مقررات اساسنامه اداره می‌شود. شورای مرکزی این کمیته، عالی‌ترین رکن این نهاد است که مسئولیت کلی امور امداد را برعهده دارد و سرپرستی، بالاترین مقام اجرایی و عضو شورای مرکزی امداد و مجری مصوبات شورای مرکزی می‌باشد. منابع مالی کمیته‌ی امداد از سوی مقام رهبری، اعتبارات دولتی، کمک‌های مردمی و درآمدهای بخش اقتصادی این نهاد تأمین می‌گردد. هدف این نهاد در ماده ۲ اساسنامه «ارائه‌ی خدمات

حمایتی، معیشتی و فرهنگی برای نیازمندان و محرومان داخل و خارج کشور به منظور تأمین خوداتکایی، تقویت و رشد ایمانی با حفظ کرامت انسانی» ذکر شده است. و در ماده ۶ که وظایف ۱۲ گانه‌ای را برای امداد امام برشمرده در بند و به خصوص به وظیفه فرهنگی صراحت داشته و اعلام می‌کند که «ارائه‌ی خدمات فرهنگی به افراد و خانواده‌های نیازمند و انجام فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و تأمین وسایل آموزشی و کمک آموزشی لازم و تعمیق باورهای دینی.» (www.emdad.ir)

در راستای دیپلماسی فرهنگی انقلاب در خارج از کشور، وظایف و مأموریت‌های کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۹)</sup> عبارتند از: (۱) تلاش در جهت شناسایی مسلمانان محروم و مستضعف و یافتن راهکارهای مناسب، ارائه خدمات امدادی پس از تأیید سرپرست و پیشنهاد به مراجع ذیربط، به منظور تقویت و گسترش هسته‌های مردمی در امر حمایت محرومان خارج از کشور؛ (۲) اعمال هماهنگی، هدایت و نظارت مستمر بر حسن اجرای فعالیت واحدهای امداد امام در خارج از کشور؛ (۳) تهیه و تنظیم سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و مأموریت‌های واحدهای امداد امام در خارج از کشور و ارائه به سرپرست جهت تصویب و ابلاغ؛ (۴) نمایندگی امداد امام در شوراها و مجامع هماهنگ کننده داخل کشور جهت فعالیت‌های مربوطه در خارج از کشور با معرفی سرپرست (مستقر در وزارت امور خارجه و...); (۵) تلاش در جهت توسعه و تحکیم ارتباط امداد امام با سازمانها، مجامع و مؤسسات عام‌المنفعه‌ی مردمی و امدادی منطقه‌ای، بین‌المللی در چهارچوب مقررات و ضوابط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ (۶) تهیه و تدوین پیش‌نویس مقاله‌نامه‌ها و تفاهم‌نامه‌های مربوط به همکاری‌های دو یا چند جانبه‌ی امداد امام با مجامع ذیربط و مؤسسه‌های خیریه‌ی خارج از کشور با استفاده از همکاری معاونت‌های تخصصی ذیربط.

کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۱۰)</sup> در راستای هدف خود موفق شده تا در داخل کشور در بیش از ۳۵ سرفصل کاری، بیش از ۴/۵ میلیون نفر را به صورت دائمی و حدود ۲ میلیون نفر را به صورت موقتی از خدمات حمایتی خود در ۱۴۰۰ شعبه و دفتر در شهرها و بیش از ۵۲ هزار روستای کشور برخوردار کند. جمعیت مورد حمایت طرح مددجویی امداد امام تنها در



پایان سال ۱۳۸۹ تعداد ۲,۸۱۲,۲۵۰ نفر بوده که ۶۳/۲ درصد این تعداد در مناطق شهری و ۳۶/۸ درصد آنان در مناطق روستایی بوده است. در پایان سال ۸۹ تعداد ۱,۴۹۹,۳۱۷ نفر هم در قالب سالمندان طرح شهید رجایی، مورد حمایت قرار داشته‌اند. بنا به تصمیم هیئت دولت در سال ۱۳۷۵ وظیفه حمایت از خانواده زندانیان نیز به کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> واگذار گردید که در این زمینه نیز امداد امام در پایان سال ۱۳۸۹ موفق به حمایت از تعداد ۲۹,۹۴۴ خانوار زندانی را که ۶۹/۲ درصد آنان در مناطق شهری و ۳۰/۸ درصد آن‌ها در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند پوشش داده بود. این کمیته در تمامی شهرستان‌ها و اکثر بخش‌های کشور و حتی در کشورهای لبنان، سوریه، آذربایجان، تاجیکستان، افغانستان و عراق نیز شعبه‌هایی تأسیس کرده و معاونت هماهنگی امور بین‌الملل این کمیته، تمامی امور مربوط به مدیریت، برنامه‌ریزی، هدایت، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی فعالیت‌های خارج از کشور را برعهده دارد.

کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> در بخش معرفی حمایت از محرومان خارج از کشور خود ضمن استناد به روایت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»، «ملت‌های اسلامی» را هم چون «یک امت واحده» دانسته که «هیچ محدوده‌ی جغرافیایی برای آن نمی‌توان قائل شد» و به همین دلیل «مسلمانان» را تشویق می‌کند تا «به هنگام گرفتاری و تنگدستی به کمک و یاری هم شتافته و موجبات آسایش یکدیگر را فراهم کنند. این یک وظیفه‌ی دینی و انسانی است که به نص صریح روایات و احادیث پیامبر عالی قدر اسلام<sup>(ص)</sup> تخطی از آن انسان را از جرگه‌ی مسلمانان خارج می‌سازد». این کمیته هم مانند دیگر سازمان‌ها و نهادهایی که در راستای دیپلماسی فرهنگی حرکت می‌کنند، معتقد است «در عصر کنونی با توجه به اهداف شوم استکبار جهانی در جهت مقابله با دین و سکولاریزه کردن کشورهای اسلامی و تضعیف و نابودی ارزش‌های اسلامی و دینی ملت‌های مسلمان، بیش از پیش لزوم اتحاد کشورهای مسلمان و حمایت آن‌ها از یکدیگر... احساس می‌گردد» و خود را موظف می‌داند تا در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌ها و برنامه‌های کلان جمهوری اسلامی «برای ایجاد یک جبهه‌ی مستحکم در مقابل دسایس

هدفمند کشورهای سلطه جو سعی در اتحاد کشورهای اسلامی داشته» باشد. (www.emdad.ir/activities/h-kharej.asp)

لبنان که «بر اثر تجاوز و جنگ‌های اسرائیل دچار آسیب‌ها و مشکلات فراوانی» شده بود در نزد این کمیته جایگاه ویژه‌ای داشته و «مقدمه‌ای شد تا فعالیتهای برون مرزی این نهاد شکل گرفته و بنابر ضرورتها توسعه یابد». در متون گذشته این تارغاب، لبنان «مرزی از مرزهای اسلام و دژی از دژهای آن و سنگری از سنگرهای خط مقدم برای دفاع از کشورهای اسلامی در برابر هجوم صهیونیست‌ها، صلیبی‌ها و مسیونرها» به شمار می‌رفت و تأسیس نخستین دفتر نمایندگی امام در خارج از کشور توانست «بخشی از آلام این مردم را در راه مبارزه‌ی رژیم صهیونیستی اسرائیل بکاهد». در همین راستا، شعبه‌ی لبنان که در اواخر سال ۱۳۶۶ فعالیت خود را به طور رسمی آغاز کرده بود، با ۲۰ واحد تحت پوشش خود تا پایان سال ۱۳۸۹ توانست ۷۵٪ کل نیازمندان لبنانی اعم از دائمی، مقطعی و درمانی شامل ۷۲۹۷ خانوار با جمعیت ۱۳,۰۵۷ نفر افراد یتیم، سالخورده، زندانی، معتاد، مطلقه، عقب‌مانده، ازکارافتاده، نابینا، بیمار، محروم و بی‌سرپرست را در ۴۶۶ شهر و روستای لبنان به خصوص در بیروت، نبطیه، صور، بعلبک، بقاع غریبی و هرمل زیر پوشش خود قرار دهد و از انواع مستمری ماهانه، مواد غذایی، لباس و پوشاک، لوازم خانگی، کمک درمانی، کمک فرهنگی، کمک ازدواج، کمک مسکن و سایر کمک‌های نقدی و جنسی و خدمات بهره‌مند کرده و «باعث حاکم شدن روح اسلامی بر قلوب جامعه‌ی اسلامی لبنان گردد». این شعبه هم چنین تا پایان سال ۱۳۸۹ از طریق ۶ مدرسه و مؤسسه‌ی فرهنگی وابسته به امداد شامل ۱ واحد مرکز فرهنگی (المركز التربوی)، ۵ مدرسه شامل مدرسه‌ی الامام الباقر<sup>(ع)</sup>، مدرسه‌ی الشهید بجیجی، مدرسه‌ی الامام علی<sup>(ع)</sup> و مدرسه‌ی ثانویه الامام خمینی(قده) و مدرسه‌ی اهل البیت<sup>(ع)</sup>، ۲ واحد یتیم خانه (یتیم الامام علی<sup>(ع)</sup> و یتیم راشکیدا) نسبت به نگهداری، ارائه‌ی آموزش‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی مددجویان و فرزندان‌شان با هدف افزایش سطح آگاهی آنان به تعداد ۳۳۴۷ نفر اقدام کرده است. علاوه بر این‌ها تعداد ۳۶۱۸ نفر دانش آموز و تعداد ۹۱۰ نفر دانشجو و طلبه نیز مورد حمایت قرار داشتند. برگزاری جلسات دینی، جشن، مسابقه، و

دیگر امور مذهبی، احداث ۲۸ واحد و ترمیم ۱۴۳ واحد و پرداخت مبلغی بیش از ۴ میلیون دلار کمک در قالب حمایت از ایتمام محروم و نیازمندان تنها در سال ۱۳۸۹ از دیگر خدمات این کمیته در لبنان است.

کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> در سوریه در ۱۰ شهر دمشق، حمص، درعا، ادلب، قنیطره، منطقه‌ی حدودیه، حماه، رقه، حلب، دیرالزور، الحسکه و ۱۶۳ روستا به کار کمک‌رسانی به نیازمندان مشغول است. تعداد کل خانوار تحت حمایت این نهاد در پایان سال ۱۳۸۹ اعم از مستمری‌بگیر دائمی، درمانی و مقطعی ۲۴۷۶ خانوار با جمعیت ۹۳۳۸ نفر شامل یتیم، ناتوان، زندانی، مطلقه، عقب‌مانده جسمی و ذهنی، نابینا، بیمار، مستضعف، بی‌سرپرست و مهاجر بوده که فقط در سال ۱۳۸۳ مبلغی بالغ بر هفتصد هزار دلار از کمک‌های مختلف شامل مستمری ماهانه، کمک درمانی، کمک فرهنگی، کمک تولیدی، کمک هزینه تحصیلی، کمک مسکن و قرض الحسنه بهره‌مند شده‌اند. علاوه بر این‌ها این شعبه در راستای فعالیت فرهنگی خود تعداد ۲۷۴۸ نفر از فرزندان خانواده‌های مورد حمایت خود را در مراحل مختلف مدارس و دانشگاه‌ها نیز حمایت کرده است. عمده‌ی کمک‌های فرهنگی در زمینه‌ی ثبت نام دانش‌آموزان پسر و دختر، پرکردن اوقات فراغت محصلان، ارتقای سطح علمی و فرهنگی، تأمین شهریه، تأمین هزینه‌ی لوازم التحریر و کتب درسی، تأمین هزینه‌ی ایاب و ذهاب، برقراری سیاست‌های تشویقی، پرداخت وام اقساط مدارس، برگزاری اردوهای تربیتی و تفریحی، برگزاری جلسات دینی و کلاس‌های آموزشی و فرهنگی، تهیه‌ی سایر لوازم فرهنگی و آموزشی، توزیع قرآن، کتاب‌های آموزش نماز، کتاب‌های عقیدتی بوده و در سال ۱۳۸۹ تعداد ۱۶۱ نفر را به اردوهایی که کمیته‌ی امداد در ایران برگزار می‌کرد اعزام نمود.

فعالیت کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> در جمهوری آذربایجان به دنبال جنگ ارمنستان و آواره شدن مردم مسلمان آذری و با جمع‌آوری و ارسال کمک‌های مردمی به جمهوری آذربایجان آغاز شد. به تدریج واحدهای این شعبه چنان افزایش یافت که در سال ۱۳۸۹ این تعداد به ۳۴ واحد شامل یک اداره کل مستقر در شهر باکو، ۴ شاخه اصلی (در شهرهای باکو، گویچای، گنجه و لنکران) و ۱۹ شعبه‌ی توزیع، ۵ واحد فرهنگی و ۵ واحد درمانی گردید و در مجموع تعداد ۴۶۴ شهر و روستای این جمهوری را با تعداد ۴۸۲۳ خانوار با جمعیتی معادل ۱۴/۰۳۸

نفر شامل سالمندان، معلولان، زنان بی‌سرپرست، مطلقه، عقب‌مانده، نابینا و بیمار را به صورت دائمی و تعداد ۱۹۰۴ خانوار با جمعیت ۴۵۵۴ نفر دیگر را به صورت موقتی تحت حمایت خود قرار داده است. در پایان سال ۱۳۸۹ تعداد ۵۵۴۳ نفر دانش‌آموز و دانشجو شامل ۱۸۳۴ دانش‌آموز در مقطع ابتدایی، ۳۱۳۹ دانش‌آموز در مقطع متوسطه، ۵۵۹ دانشجو و ۱۱ طلاب علوم دینی مورد حمایت کمیته‌های امداد جمهوری آذربایجان قرار داشته‌اند و از کمک‌های فرهنگی این نهاد برخوردار شده‌اند. تأمین لوازم التحریر و کتب درسی، برگزاری جلسات و کلاس‌های آموزشی و برگزاری اردوهای آموزشی و تربیتی از جمله محورهای عمده‌ی فعالیت‌های فرهنگی را تشکیل می‌دهند. در این سال تعداد ۲۳ نفر دانشجو و دانش‌آموز و شخصیت‌های علمی و دانشگاهی این کشور در اردوهایی که توسط کمیته‌ی امداد در کشور ایران برگزار گردید شرکت کردند.

شعبه‌ی دیگر کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> در تاجیکستان در ۲۲ بهمن ۱۳۷۳ و در پی امضای پروتکلی افتتاح گردید. علت تأسیس این شعبه نیز علاوه بر توجه به ۸۰٪ جمعیت این کشور که در زیر خط فقر به سر می‌برند، وجود «قرابت بسیار با ایرانیان» از نظر فرهنگ و سنن و مهم‌تر از همه این که بنا به تارنمای پیشین این کمیته، آن‌ها «تنها منجی خود را ایران می‌دانند» عنوان شده است. تعداد واحدهای این شعبه در تاجیکستان در سال ۱۳۸۹ برابر ۴۸ واحد شامل یک واحد اداری کل مستقر در شهر دوشنبه، ۶ شاخه اصلی در شهرهای قرقان تپه، کولاب، وحدت، نورآباد، بدخشان و خجند، ۲۰ واحد شعبه‌ی توزیع، ۱ واحد درمانگاه، ۱۹ واحد کارگاه آموزشی و ۱ واحد فرهنگی بوده است و علاوه بر نیازمندان شهرهای دوشنبه و نواحی اطراف آن شامل ناحیه‌ی نین (شهرک سامانیان)، وحدت، فیض آباد، آب گرم یاولان و غرم، حصار شامل (تورسن زاده)، دربند، ولایت ختلان (شهر قرقان تپه، قبادیان شهر طوس، کولاب، دنغره) در ۳۵۸ روستا نیز به مدد مستضعفان شتافته و از کمک‌های نقد و جنسی شامل مستمری، هزینه‌های درمانی، فرهنگی، عمرانی، اطعام و افاطاریه، کمک هزینه‌ی ازدواج و اشتغال و مسکن و تحصیل برخوردار کرده است. فعالیت فرهنگی این نهاد در سال ۱۳۸۹ شامل تعداد ۵۸۰۰ نفر دانش‌آموز و ۵۲۱ نفر طلبه و دانشجو نیز گردید و در این رابطه بیش از ۸۵ هزار قلم نوشت افزار و ۱۵/۳ هزار عدد کیف به این افراد تحویل شد. اهدای قرآن و کتب

اسلامی، توزیع نوارهای صوتی و تصویری و کمک به حرکت‌های فرهنگی و همسو با ارزش‌های اسلامی از دیگر اقدامات این نهاد بوده است. در این سال تعداد ۲۲ نفر از دانشجویان مورد حمایت، شخصیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی، پزشکان و اساتید دانشگاه‌های این کشور برای شرکت در اردوهای ایران اعزام شدند و به تعداد زیادی مدرسه، دانش آموز، دانشجو، معلم و اساتید دانشگاهی نیز مساعدت‌هایی شامل مواد خوراکی، پوشاک و لوازم التحریر ارائه گردید.

کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> فعالیت خود را در افغانستان پس از سقوط حکومت کمونیستی و تشکیل حکومت جدید از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۷۱ و با استقرار ۳ شاخه‌ی اصلی و فرعی در شهر کابل آغاز کرد و به تدریج با ایجاد یک شاخه‌ی در مزار شریف در سال ۱۳۷۲، یک شاخه در بامیان در سال ۱۳۷۳ و یک شاخه دیگر در یکاولنگ در سال ۱۳۷۴، بر فعالیت خود در این کشور افزود. با وجودی که فعالیت این شعبه در دوره‌ی جنگ داخلی دستخوش فراز و نشیب شد و حتی از تابستان سال ۱۳۷۷ نیز به طور کامل متوقف گردید، اما پس از سرنگونی حکومت طالبان، فعالیت خود را در دی ماه ۱۳۸۰ در شهر کابل و در ۱۳۸۱ در شهرهای هرات و نیمروز (زرنج) مجدداً آغاز کرد. واحدهای شعبه‌ی افغانستان در سال ۱۳۸۹ برابر ۱۲۰ واحد شامل ۴ شاخه اصلی در شهرهای کابل، هرات، مزار شریف و زرنج، ۴ واحد فرهنگی، ۴ واحد درمانگاه، ۱ واحد کتابخانه و ۱۰۷ واحد کارگاه که با به کار بردن ۴۶ نفر از امدادگران مخلص توانسته است به مدد مستضعفان در ۸۴ منطقه‌ی شهری و روستایی به تعداد ۵۳۲۷ خانوار با جمعیت ۲۲/۰۵۲ نفر از ایتم، بی‌سرپرستان، معلولان، ازکارافتادگان و سالمندان کمک‌های نقدی و جنسی شامل مستمری، هزینه‌های درمانی، فرهنگی، عمرانی، اطعام و افطاریه، کمک هزینه ازدواج و اشتغال و مسکن و تحصیل داده است. علاوه بر این، تعداد ۱۵۵۴ خانوار شامل ۶۶۱۸ نفر دیگر نیز به صورت مودی از خدمات کمیته‌ی امداد بهره مند شدند. از نظر فرهنگی نیز در سال ۱۳۸۹ تعداد ۱۰۸۷۱ نفر دانش آموز از خدمات و کمک‌های متنوع فرهنگی این نهاد شامل بیش از ۱۴ هزار عدد کیف، بیش از ۳۰۰ هزار قلم نوشت‌افزار و بیش از ۴۰۰ دست پوشاک بهره‌مند شدند. علاوه بر خدمات فوق، این نهاد به تعداد زیادی مدرسه و دانش آموز، دانشجو، معلم و اساتید دانشگاهی مساعدت‌هایی شامل مواد خوراکی، پوشاک و لوازم التحریر نیز ارائه کرد.

کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> در عراق نیز در پی اشغال این کشور از سوی «استکبار جهانی خصوصاً آمریکا و انگلیس» و برای کمک به «زنان و کودکان (که) بیشتر از همه مورد ظلم و ستم قرار گرفته و با رنج و سختی زندگی می‌نمایند» آغاز به کار کرد. تعداد واحدهای این شعبه در پایان سال ۱۳۸۹ شامل ۶ واحد مرکزی و اصلی در شهرهای بغداد، کربلا، نجف، کاظمین، کوت و بصره است که در پایان سال ۱۳۸۹ تعداد ۲۱۶۹ خانوار دارای یتیم با جمعیتی معادل ۱۶۵، ۱۰ نفر را در ۱۷ شهر و روستای این کشور به صورت دائمی به صورت نقدی یا جنسی شامل پرداخت مستمری ماهانه، لباس و پوشاک، کمک درمانی، جهیزیه و کمک هزینه‌ی ازدواج و سایر کمک‌ها نظیر اطعام و افطاریه تحت حمایت خود قرار داد.

کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> در اتحادیه‌ی کومور نیز اقدام به فعالیت کرده است و تا سال ۱۳۸۹ با ایجاد ۱۶ واحد شامل ۳ شاخه‌ی اصلی در شهرهای مورونی، آنژوان و موهینی و ۱۳ کارگاه آموزشی به مدد مستضعفان شتافته و تعداد ۵۵۵ خانوار با جمعیت ۲۹۸۷ نفر از ایتم، بی‌سرپرستان، معلولان، ازکارافتادگان و سالمندان این کشور را در ۳۲۰ روستا مورد حمایت خود قرار داده است. علاوه بر فعالیت‌های شعبه‌های خارجی، این نهاد در مناسبت‌های مختلفی از جمله «روز جهانی قدس» یا «روز همبستگی با مردم مظلوم و ستمدیده‌ی عراقی» به استقرار پایگاه‌ها و جمع‌آوری کمک‌های مردمی نیز اقدام می‌کند که در سال ۱۳۸۳ مبلغی بیش از یکصد و پنجاه هزار دلار برای کمک به مردم فلسطین و بیش از یکصد کامیون از جمله بیش از سیصد هزار دلار دارو برای کمک به مردم عراق جمع‌آوری و ارسال شد. ارزش ریالی آخرین کمک‌های اعلام شده در سال ۱۳۸۹ برای این منظور، مبلغ ۵/۷ میلیارد ریال بوده است که حاکی از یک روند افزایشی است.

([www.emdad.ir/activities/h-kharez.asp](http://www.emdad.ir/activities/h-kharez.asp))

کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> در راستای هدف کمک به رفع فقر و محرومیت انسان‌های محروم و ناتوان، علاوه بر امکانات مردمی و دولتی ایران، از امکانات بین‌المللی نیز استفاده می‌کند. به همین منظور توسعه‌ی ارتباطات با مجامع بین‌المللی برای تبادل تجربه، کسب اطلاعات، معرفی خدمات و دستاوردهای خود، اجرای طرح‌های مشترک، جلب منابع و امکانات در راستای امور فقرزدایی در دستور کار این نهاد قرار گرفته است. برگزاری جلسات مشترک

و انجام توافقات با سازمان بهداشت جهانی، یونیسف، بانک جهانی، بانک توسعه‌ی اسلامی از جمله این موارد است.

علاوه بر این‌ها، کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۵)</sup> در برگزاری اردوها و پذیرایی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی اجتماعی و سیاسی و دانشجویان و دانش‌آموزان نیز فعالیت می‌کند. این کمیته در سال ۱۳۸۳ تعداد ۱۹۲۵ نفر را در اردوی داخل لبنان و تعداد ۱۹۲ نفر مددجو، دانش‌آموز و دانشجو، مدیران و معلمان مدارس و مراکز فرهنگی امداد امام و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و خیرین این کشور را در ۴ مرحله در اردوهایی که در استان‌های تهران، خراسان و قم برگزار گردید پذیرایی کرد. دیگر شعب سوریه ۶۵ نفر را در ۳ مرحله به اردوی داخل ایران، جمهوری آذربایجان ۹۳۴ نفر را به اردوی محلی و ۷۸ نفر را به اردوی داخل ایران، و تاجیکستان ۱۲۰ نفر را به اردوی محلی و ۶۸ نفر را به اردوی داخل ایران، و افغانستان ۶۶ نفر را در دو مرحله به اردوی داخل ایران، اعزام و از برنامه‌های ورزشی، آموزشی، هنری و تفریحی خود آن‌ها را بهره‌مند کردند.

### نتیجه‌گیری

فرهنگ و تبادل فرهنگی از دیرباز جایگاه قابل توجهی در سیاست خارجی کشورها و سازمان‌های مختلف بین‌المللی داشته و علاقه کشورهای مختلف جهان به توسعه‌ی روابط و افزایش ارتباطات منطقه‌ای، زمینه‌های نوینی را برای رفع مسألت‌آمیز مناقشات و منازعات ایجاد کرده و دیپلماسی، به عنوان یک راه حل منطقی، بیش از گذشته جایگزین توسل به زور و اجبار گردیده است. در کنار این افزایش مناسبات دولتی، افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی مردم جهان و رشد پدیده‌ی افکار عمومی نیز تغییراتی را نیز در ابزارها و کارکردها و رفتارهای دیپلماسی ایجاد کرده است که از آن جمله دیپلماسی فرهنگی می‌باشد.

همان‌طور که انگیزه‌ی تبلیغ و ترویج جهان‌بینی اسلام در صدور انقلاب اسلامی اهمیت داشته است، تحقیرها و دخالت‌های مختلف قدرت‌های حافظ وضع موجود در امور داخلی ایران موجب تقویت استعمارستیزی و جهان‌گرایی انقلاب اسلامی گردید و انقلابیون مسلمان ایرانی و دولت انقلابی ایران نیز هم‌چون دیگر انقلاب‌ها، در مواجهه و مقابله با نظام بین‌المللی که از آن به نظام سلطه جهانی یاد می‌کردند، از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، امکانات و توانایی‌های خود را

در چندین جبهه‌ی فرهنگی، علمی، سیاسی، پزشکی، اقتصادی و نظامی آرایش دادند و خود را برای رویارویی با تهدیدات و تهاجمات آن آماده کردند. کمیته‌ی امداد امام خمینی<sup>(۶)</sup> در میان دیگر نهادهای انقلابی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شده است به منظور مقابله با نظام سلطه‌ی جهانی، پیگیری راه متفاوت انقلابی با نظام سلطه‌ی جهانی و به منظور دستیابی به اهداف سیاست خارجی و هدف نهایی انقلاب اسلامی که سعادت بشر در کل جهان است فعالیت می‌کند و در طول بیش از سی سال فعالیت خود در کشورهای مختلف اسلامی و همسایه، خدمات ارزشمندی در این بازه کرده است.

### فهرست منابع

الف: فارسی

۱. ادواردز، ب. م. (۱۳۸۲). سیاست و حکومت در خاورمیانه. رسول افضلی، تهران: بشیر علم و ادب.
۲. امام خمینی (۱۳۷۹). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(۷)</sup>.
۳. خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی. (۱۳۸۹). منشور فرهنگی انقلاب اسلامی (۱). تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. دهقانی فیروزآبادی، جلال. فیروزه رادفر (۱۳۸۹). الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق<sup>(۸)</sup>.
۵. دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۸۷). چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۶. راست و استار، ب. ه. (۱۳۸۱). سیاست جهانی محدودیتها و فرصتهای انتخاب، علی‌امیدی، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. ریوز، ج. (۱۳۸۷). فرهنگ و روابط بین‌الملل: روایتها، بومیان و توریست‌ها. محسن بیات، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۸. رفیق‌دوست م. (۱۳۸۳). خاطرات محسن رفیق‌دوست، تدوین داوود قاسم پور. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۹. عمید زنجانی ع. (۱۳۷۹)، خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین عمید زنجانی. تدوین محمد علی حاجی بیگی کندری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. کاظمی، ع. ا. (۱۳۷۰). دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی روابط بین‌الملل. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. محمدی، م. (۱۳۷۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسایل. تهران: دادگستر.
۱۲. محمدی، م. (۱۳۸۷). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی.
۱۳. نوازی، ب. (۱۳۸۸). صدور انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۴. نقیب‌زاده، ا. (۱۳۸۱). تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- ب: انگلیسی
- Cavaliero, E. R. (1986). Cultural Diplomacy: The Diplomacy of Influence. The Round Table.
- Donaldson, F. (1984). The British Council: The First Fifty Years, Butler and Tanner Ltd.
- Greene T. (1990). Comparative Revolutionary Movements: Search for Theory and Justice, Englewood, Prentice Hall
- Gurr T.R. (1970). Why Men Rebel, Princeton, Princeton University Press
- [www.campusfrance.org](http://www.campusfrance.org)
- [www.education.vsnl.com](http://www.education.vsnl.com)
- [www.emdad.ir/moarefi/index.asp](http://www.emdad.ir/moarefi/index.asp)
- <http://www.emdad.ir/activities/h-kharej.asp>
- [www.exchanges.state.gov/education/ivp/history.htm](http://www.exchanges.state.gov/education/ivp/history.htm)
- [www.unesco.org/new/en/unesco/about-us/who-we-are/history/constitution/](http://www.unesco.org/new/en/unesco/about-us/who-we-are/history/constitution/)